



محدثه جزایی

دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

(آفاق)

دغدغه مادرانه‌ای به نام آموزش مجازی

این دومین سال تحصیلی است که سایه هراس از همه‌گیری کرونا بر لحظه‌های خاطره‌آفرین مهرماه سنگینی می‌کند و نمی‌گذارد کام دانش‌آموزان و خانواده‌ها با شوق کلاس اولی‌ها، بوی نو کتاب و هیجان روز آشنایی با معلم شیرین شود. چه در زمانه آموزش به صورت سنتی و حضوری، چه حالا که کرونا انگار قصد رفتن ندارد، پیگیری وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان امری زنانه و مادرانه تلقی می‌شده است و می‌شود. مزایا و فرصت‌هایی که آموزش مجازی پیش‌روی دانش‌آموزان و دانشجویان گذاشته است اندک نیست، اما درباره اینکه چنین آموزش‌هایی به‌ویژه در دوران ابتدایی تحصیلات به یک وظیفه مادرانه تبدیل شده است، تقریباً هیچ تردیدی وجود ندارد.

تفاوتی که میان این ۲ دوران می‌توان برقرار کرد این است که در دوران آموزش سنتی، مدارس و معلمان نهادها و افرادهایی بودند که بار اصلی تعلیم را در کنار پرورش برعهده داشتند، اما هرچه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، با اهمیت یافتن نوع و کیفیت یادگیری، مادران بیش از گذشته در فرآیند آموزش دخیل می‌شوند. تازمانی که آموزش به صورت رودرو و حضوری جریان داشت، همکاری و مشارکت مادران با مدارس، بر کیفیت تحصیلات و پیگیری وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت داشت، اما با قطع این همکاری حضوری و جایگزین شدن آن با گوشی‌ها، تبلت‌ها و صفحه‌های مجازی، مادران در جبهه آموزش و در صف اول افراد مؤثر بر آموزش رسمی قرار گرفتند. مادران و زنان علاوه بر ایفای وظایف سنتی خود در خانه، حالا با دل مشغولی تازه‌ای دست‌به‌گریبان‌اند که چالش‌های متعددی در برابر آن‌ها قرار داده است. مهم‌ترین چالشی که آموزش مجازی پیش‌روی مادران و زنان قرار داده است کیفیت پایین آموزش و نگرانی از ارزیابی نشدن صحیح جایگاه فرزندان است. درست است که کلاس و تخته‌سیاه جای خود را به صفحه کلید و کلیپ داده است، اما واقعیت این است که این تغییر ابزار تحول‌چندانی در حوزه آموزش به وجود نیاورده است. در بیشتر مدارس کشور هنوز هم آموزش به شکل سنتی جریان دارد و استفاده از فناوری بسیار کم‌رنگ است.

از سوی دیگر، تغییر شیوه تدریس از سنتی به حالت مجازی و آنلاین برای معلمان نیز معضل محسوب می‌شود زیرا آنان را مجبور به تغییر شیوه تدریس و مدیریت زمان می‌کند. تهیه محتوایی نیز که هم برنامه درسی را پوشش دهد هم دانش‌آموزان را درگیر خود کند چالش برانگیز است زیرا تا وقتی دانش‌آموزان آموخته‌های خود را تمرین نکنند، یادگیری نمی‌تواند به اهداف کامل آموزشی و پرورشی خود برسد. گاهی محتوای آنلاین نظری است و اجازه نمی‌دهد دانش‌آموزان تمرین کنند و به صورت مؤثر دروس را بیاموزند. از سوی دیگر، معلم نیز ابزار ارزیابی درست از عملکرد دانش‌آموز را ندارد. این مسئله به پیچیدگی آموزش مجازی و دل‌نگرانی‌های مادران می‌افزاید.

چالش مهم دیگر پیش‌روی مادران دل‌نگرانی از وضعیت جسمانی و سلامت روانی فرزندان‌شان است. بیشتر محصلان در سن بازی هستند و نیاز دارند بخشی از آموزش‌ها را از طریق بازی و حضور در محیط اجتماعی بیاموزند و در همان حین، نیازهای مربوط به سلامت جسم و روان از طریق بازی با هم‌سالانشان را برطرف کنند. این در حالی است که به‌باور محققان استفاده زیاد از تلفن همراه می‌تواند موجب سردرد، اضطراب، اختلالات خواب، اختلال در تمرکز، مشکلات بینایی و همچنین دردهای بدنی و مشکلات اسکلتی عضلانی شود که در پیامدهای آن سال‌های آینده آشکار می‌شود. مهارت ضعیف استفاده از فناوری نیز جزء نگرانی‌های مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی است. برخی مادران با فضای مجازی و طریقه ایمن‌سازی آن برای فرزندان‌شان آشنایی کامل ندارند. هم‌چنین به علت مهارت پایین خود در استفاده از شبکه‌های رسمی موجود، نمی‌توانند به شیوه‌ای مؤثر بر عملکرد درسی کودک نظارت کنند.

در ادامه، می‌توان به چالش‌های اقتصادی همچون افزایش هزینه‌های تحصیل به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار اشاره کرد که آن هم باری دوچندان بر دوش خانواده‌ها به‌ویژه مادران و زنان می‌گذارد. اما نکته مهم این است که نهادهای رسمی آموزشی، همان‌گونه که درباره محتوای آموزشی برای کودکان و دانش‌آموزان فعالیت می‌کند، توجهی ویژه نیز به زنان و مادران در دوران آموزش مجازی نداشته باشند. طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی برای مادران ضرورت دارد. آشنایی با نحوه ایمن‌سازی صفحات مجازی و هم‌چنان محتوای دروسی که به‌روز و جدید می‌شوند، از مهم‌ترین نیازهایی است که می‌تواند بخشی از دغدغه‌های مادران را برطرف کند. جان کلام این‌که که مهرماه دیگر آغاز سال تحصیلی برای دانش‌آموزان به‌تنهایی نیست. شاید شروع دغدغه‌ها و چالش‌هایی برای مادران و زنانی باشد که آن‌ها نیز در نیاز به توجه و آموزش، نیازمند توجه هستند.

شهر بانو

شهر بانو

۲۰ شهریور ۱۴۰۰
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۵۰۰

(۲)



عکس تزئینی است



تکنم جاوید

کارشناس رشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

دیدنی‌های امروز، درس‌های فردا

عجیب است که هنوز این طور مراقبت می‌کنیم، فقط برای بیرون رفتن از خانه. ترس از دست دادن و بدآموزی داریم برای آدم‌هایی که واقعا می‌بینیم اما مجازی‌ها را از قلم انداخته‌ایم. بگذارید یک قدم به عقب برگردیم. دیروز در تقویم به نام روز جهانی دختر ثبت شده بود به این بهانه که از گروه سنی مهمی حرف بزنیم که قرار است در آینده مادری، همسری یا اصلاً بدون این‌ها در هر کجای این جهان زندگی کنند و از میان همه اطلاع‌رسانی‌ها و آگاه‌سازی‌ها ما در اینجا در باب آگاه‌سازی روانی حرف خواهیم زد.

اکنون جمله ابتدای متن را دوباره بخوانید. اگر دختری دارید که همه نگرانی‌تان رفت‌وآمد او در خیابان و محیط‌های عمومی است و در زمان مجازی شدن مدرسه‌ها خیالتان راحت‌تر شده است، سخت در اشتباهید. تعجب نکنید زیرا همان تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی داخل آن برایش کافی است که او را به دنیایی بیندازد که زمینه آشنایی با آدم‌ها، واردشدن به رابطه‌های نسنجیده و ابتلا به اختلالات روحی را برایش فراهم خواهد آورد.

چقدر به نتیجه حضور در این شبکه‌ها در درازمدت فکر کرده‌اید؟ شبکه‌هایی همچون اینستاگرام. ماهیت این شبکه‌ها و آن آدم‌ها همین است که چهره یک انسان مرفه، بی‌دغدغه، خوشبخت و مد روز را به نمایش بگذارد. چنین تصاویری برای دختران به‌ویژه در نوجوانی که به دنبال کسب جذابیت

ظاهری و توجه اطرافیان هستند، خیلی زود الگو خواهد شد. اما این تصاویر از شکل واقعی زندگی بسیار دور است. زندگی روزمره یک دختر طبقه متوسط یا پایین، سرشار از مشکلات روابط بین‌فردی والدین و اعضای خانواده، مضیقه‌های مادی، از دست دادن عزیزان، تنهایی، شکست‌های عاطفی، مشکلات تحصیلی، پذیرفته نشدن در رشته و دانشگاه مورد علاقه و بسیاری موارد دیگر است. حالا شکاف بین دیده‌ها و آنچه هرروز تجربه می‌کنند را چه چیزی پر می‌کند؟ البته مشکلات روحی و احساس ناتوانی و حقارت.

هرچند ابتلا به اختلالات روحی به زمینه خلقی همچون زودرنجی، کمال‌گرایی، وسواس و اضطراب ... نیاز دارد، بسیاری از دختران جامعه ما که نمونه‌ای از همه جامعه هستند، به‌راحتی به آن‌ها مبتلا خواهند شد. افسردگی، کمال‌گرایی، تشدید اختلالات اولیه و مشکلات زیاد دیگری ممکن است برای آن‌ها ایجاد شود. همه این‌ها می‌تواند با افزایش سن دختران زمینه‌ساز مشکلات دیگری همچون افت تحصیلی، بالا رفتن سن ازدواج، شکست در زندگی مشترک، تمایل نداشتن به فرزندآوری، آسیب‌های شغلی و مسایل دیگر شود.

اگر قرار است چند سال دیگر درباره درمان آن مشکلات روحی سخن بگوییم، خیلی دیر خواهد بود و لازم است اصل پیش‌گیری مقدم بر درمان را مرور کنیم و درباره سلامت روان دخترانمان آن را به کار بگیریم که سلامت روانی خانواده‌های آینده به همین بستگی دارد.